

نامه دفتر نشر آثار دکتر عصام العمداد به مولوي  
عبدالحميد

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مولوي عبدالحميد؛  
با عرض سلام و آرزوي توفيق الاهي.

چنان كه در رسانه ها منعكس گرديد، جناب عالي  
بعد از پخش مصاحبه جناب دکتر عصام العمداد  
با شبکه سوم صدا و سيما در برنامه ماه غسل،  
نكاتي در بيانات نماز جمعه، مطرح نموديد كه  
نيازمند توضيحاتي براي روشن گرديدن  
جناب عالي و افكار عمومي داشت. با همين  
انگيزه دفتر نشر آثار دکتر عصام العمداد تصميم  
گرفت تا بنا به وظيفه قرآني «تذكر» (فذكر انّ  
الذكرى تنفع المؤمنين) اين نامه را خدمت شما  
ارسال نمايد، باشد تا دقت و بررسي بيشتري

در مواضعتان نسبت به برادران دیگر مذاهب  
به عمل آورده تا خدای ناکرده موجبات بی  
اعتمادی به گفته های جنابعالی در شنوندگان  
فراهم نگردد.

1. جنابعالی در خطبه های نماز جمعه فرموده  
بودید: «شبهه سوم سیما با فردی مصاحبه ای  
انجام داده است که ادعا کرده قبلاً سنی بوده  
و در حال حاضر شیعه شده است... این شخص  
هیچ گاه سنی نبوده بلکه من شنیده ام این فرد  
از برادران تشیع یمنی بوده است. پخش این  
گونه برنامه های ساختگی و جعلی از سوی  
برخی فیلمسازان که افراد شایسته ای نیستند،  
در کنال های مملکتی که در این سال از سوی  
رهبر انقلاب به عنوان سال اتحاد و انسجام  
اسلامی عنوان شده است و مجمع تقریب  
مذاهب به هدف وحدت و انسجام فرق  
اسلامی در آن قرار دارد، بسیار ناپسند و  
نابجاست».

متأسفانه جنابعالی با اکتفا به شنیده های خود

و بدون انجام تحقیق لازم درباره زندگی و  
فعالیت‌های جناب دکتر عصام العماد چنین  
موضعی را درباره ایشان اتخاذ کردید که لازم  
است به شکل گذرا به زندگی نامه ایشان اشاره  
گردد:

جناب دکتر عصام فرزند علامه علی یحیی  
العماد در سال 1968 میلادی در استان «إب»،  
روستای «الصبار» به دنیا آمد. روستای الصبار  
به پایتخت وهابیت در استان إب مشهور می  
باشد. ساکنان این استان از عقاید وهابیت  
تأثیر پذیرفته اند. خانواده ایشان خانواده ای  
است که تکرر مذهبی را پذیرفته است و  
تفاوت مذهبی در اعضای خانواده ایشان  
مشهود است. برخی افراد این خانواده معتقد  
به مذهب «زیدیه» صالحیه می باشند، برخی  
دیگر وهابی معتقد شده اند. این گروه از  
زیدیه (یعنی زیدیه صالحیه) از شیفتگان خلیفه  
اول و دوم و سوم هستند و حتی فتوا به تکفیر  
و قتل منتقدان خلفای سه گانه بعد از پیامبر



مي دهند. جنگهاي مذهبي دو فرقه زیدیه  
جارودیه و زیدیه صالحیه به همین جهت بوده  
است. شیخ طوسی در کتاب «عده الاصول» در  
بخش ارث، زیدیه صالحیه را اساسا جزو اهل  
سنت به حساب آورده است. از ابتدای ظهور  
وهابیت زیدیه صالحیه تحت تاثیر اندیشه های  
شیخ محمد عبدالوهاب قرار گرفته است. از  
جمله می توان از عالمان این فرقه به شخصیت  
شیخ «محمد اسماعیل امیر الصنعانی» اشاره  
کرد که کتاب «التزیه» او در مدارس وهابیت  
عربستان تدریس شده و شعری در مدح محمد  
بن عبدالوهاب دارد. همچنین می توان به یکی  
دیگر از شخصیت های فرقه صالحیه را به نام  
علامه «محمد بن علی الشوکانی» اشاره نمود.  
او معاصر شیخ محمد بن عبدالوهاب بوده و از  
بنیانگذاران وهابیت در یمن به شمار می آید.  
بعد از مرگ محمد بن عبدالوهاب نیز مرثیه ای  
درباره او سروده است. کتابهای او نیز مانند  
«نیل الاوطار» در عربستان تدریس می شود.

در نتیجه ارتباط فرقه صالحیه با وهابیت به دوران محمد بن عبدالوهاب بازگشت دارد. به همین جهت گرایش به وهابیت در خانواده العمداد از بیش از 200 سال گذشته به وجود آمده بود. عموی ایشان شیخ «عبدالرحمن العمداد» یکی از بزرگترین عالمان سلفی و وهابی کشور یمن است.

### شیخ عبدالرحمن العمداد

دکتر عصام العمداد تحت تربیت عموی خویش شیخ عبدالرحمن العمداد رشد کرد و افکار سلفیت و وهابیت را برگزید. به گفته جناب دکتر نخستین بار توسط شیخ عبدالرحمن با کتابهای ابن تیمیه به ویژه کتاب «منهاج السنه» آشنا گردید. شخصیت‌هایی مانند «دکتر عادل احمد العمداد» (پسر عموی دکتر عصام) یکی از وهابیان معروف خانواده عمداد است که چندی پیش نامه‌ای در مخالفت با دکتر عصام

نگاشته و در این نامه از شیخ عثمان الخمیس حمایت کرده است. همچنین دکتر «بشری العمد» و دکتر «هدی العمد» دو نفر از خواهران وهابی مسلک جناب دکتر عصام هستند که در دانشکده های وهابی یمن تدریس دارند. چند ماه گذشته رسانه های وهابی یمن با پدر دکتر عصام مصاحبه ای را ترتیب داده بودند و به شکل گسترده این مصاحبه را نشر دادند. در این مصاحبه پدر ایشان از تحول فکری ایشان و فعالیت‌هایشان بعد از انتقال به مذهب شیعه دوازده امامی اظهار برائت کرده بود.

به علت تاثیر وهابیت در خانواده العمد در طول چند سال شیعه شدن دکتر عصام، تنها پنج نفر از اعضای خانواده العمد شیعه شده اند که عبارتند از: برادرشان «حسن العمد» که هم اکنون در شهر قم مشغول به تحصیلات دینی می باشد. همچنین سه تن از خواهران دیگر ایشان نیز از وهابیت به مذهب شیعه

دوازده امامي تحول فكري پيدا کرده اند.  
خواهر زاده ايشان نيز به نام «محمد طه  
الذاري» يکي از شيعيان دوازده امامي و جزو  
طلاب حوزه علميه قم مي باشد.  
خانواده ايشان يکي از خانواده هاي ريشه دار  
يمني و مشهور از نظر سياسي و ديني مي  
باشند و تحقيق و بررسي صحت و سقم  
مطالب مطرح شده درباره ايشان به آساني  
امکان پذير است.

قابل توضيح اين که يمن هم مرز عربستان و  
در جنوب اين کشور قرار دارد و همين عامل  
باعث شده که سالهاي سال اين کشور به مکاني  
براي تردد و اقامت مبلغان و عالمان وهابي  
تبديل گردد. به علت همين فعاليتهاي تبشيري،  
ترکيب اعتقادي اين کشور (که شامل شيعيان  
زيديه صالحيه و اهل سنت شافعي بوده) تحت  
تاثير فعاليتهاي تبشيري وهابيت دگرگون شده  
است. به همين جهت جاي تعجب نيست در  
خانواده اي زيدي صالحي يا شافعي تفکرات

وهابیت مشاهده گردد.

اساتید وهابی دکتر عصام در یمن:  
ایشان تحصیلات دینی خود را نزد عالمان  
وهابی یمن ادامه داد. در زیر به مهمترین  
اساتید شناخته شده وهابی ایشان اشاره می  
کنیم:

1. شیخ «محمد اسماعیل العمرانی» که رهبر  
علمی وهابیت در یمن به شمار می رود. اخیراً  
نیز در صحنه گذاری به فشارها و قتل عامهایی  
که حکومت یمن در حق شیعیان این کشور به  
عمل آورده، فتوایی در وجوب کشتار شیعیان  
صادر نموده است که جناب دکتر عصام با  
حفظ رابطه شاگرد و استادی نامه ای در رد  
این فتوا نگاشته و از شیخ العمرانی جهت  
صدور این فتوا گله نموده است.

2. قاضی «احمد سلامه» یکی از مفتیان بزرگ  
وهابیت در یمن.

3. شیخ «عبدالرزاق الشاحذی» یکی دیگر از



عالم‌ان بزرگ وهابی یمن که از دنیا رفته است.  
4. شرکت در جلسات عمومي شيخ «مقبل  
الوادي». شيخ الوادي يکي از وهابيان  
سرسخت در دشمني با شيعة بود که کتاب  
«الحاد الخميني في ارض الحرمين» را نگاشته  
است.

بعد از استفاده علمي از عالم‌ان وهابي یمن  
براي ادامه تحصيل به عربستان سفر نموده و  
در شهر رياض پايتخت عربستان در دانشگاه  
«امام محمد سعود» در دانشکده اصول الدين  
بخش علوم حديث به تحصيل مشغول مي  
شود.

مدت اندکي نيز در درسهاي شيخ «بن باز»  
مفتي سابق عربستان که دروسي را در اصول  
دين تدريس مي کرد، شرکت نموده است.  
ايشان در شهر رياض در منطقه «الدرعيه»  
(پايتخت سابق شيخ محمد بن عبدالوهاب)  
سکونت داشته است.

# فعاليتهاي ديني و مذهبي دكتر عصام قبل از تشيع:

1. امامت جمعه و جماعت: ايشان نزديك به چهار سال در يمن در مساجد «باب القاع»، «الاسطي»، «هايل سعيد» و «الدعوه» نماز جمعه و جماعت اقامه کرده و در مسجد الدعوه كتاب «فقه السنه» نوشته شيخ «سيد سابق» را تدریس مي کرده است.

2. تحت تاثير اندیشه هاي ابن تيميه كتاب «الصله بين الاثني عشرية و فرق الغلاة» را نوشت که اين كتاب داراي دو بخش بوده: بخش نخست درباره مطاعن حضرت علي (ع) و بخش دوم عليه شيعيان نگاشته شده است. خوشبختانه قبل از انتشار كتاب ايشان به مذهب شيعه دوازده امامي گرويدند و اين كتاب منتشر نگردید ولي نسخه خطي اين كتاب هم اکنون موجود است.

2. جناب مولوي عبدالحميد، در بخش ديگري

از سخنان آن آمده بود: «این فرد ادعا کرده که  
قبلاً نسبت به حضرت علی کینه و بغض و  
عداوت داشته و در حال حاضر خود را بالای  
مناره ای مرتفع و دیگران را در زیر می بیند».  
ما به پیوست نامه نسخه الکترونی (نسخه  
منتشر شده کتاب در بازار نایاب است و در  
دست چاپ مجدد می باشد) کتاب (المنهج  
الجدید و الصحيح في الحوار مع الوهابيين) و  
همچنین کتاب (الوهابية نقد من الداخل) را  
خدمت جناب عالی عرضه می کنیم تا از نزدیک با  
اندیشه ها و نوع نگاه این استاد آشنا شوید.  
ایشان نه تنها از موضع تکبر و خود پسندی به  
دیگر مذاهب نگاه نمی کنند بلکه یکی از عالمان  
معتقد به وحدت مذاهب اسلامی می باشند.  
ایشان نخستین شخصیت علمی هستند که  
ایده همبستگی و وحدت اسلامی میان وهابیت  
و شیعه دوازده امامی را در کتاب خود بر  
مبنای عالمانه و نگاهی تاریخی و تحلیلی  
جامعه شناختی مطرح کرده اند و معتقدند

باید با روشنگری وهابیت را از خلط تاریخی  
میان شیعه دوازده امامی و فرقه های غالی  
نجات داد. ایشان معتقد است فتواهای تکفیری  
وهابیت نسبت به شیعه دوازده امامی، به دلیل  
خلط میان منابع معرفتی، خواستگاه، نمادها و  
شخصیتهای شیعه دوازده امامی و فرق غالی  
پدید آمده است. بر همین مبنا هم بر جلد کتاب  
خود، در زیر عنوان اصلی نوشته (محاولة  
للتقريب بين الوهابية و الاثني عشرية)؛ (تلاشی  
برای نزدیک نمودن وهابیت و شیعه دوازده  
امامی)

به بیان دیگر ایشان معتقدند حقیقت میراث  
اندیشه شیعی در محاقی از خلط با تفکر  
غلات، برای بسیاری از وهابیان پنهان شده  
است و همین سوء تفاهم تاریخی موجب  
ایجاد گسلهای خونین میان دو گرایش وهابیت  
و شیعه دوازده امامی گردیده است. ایشان به  
جد معتقد به تعمیم فعالیتهای تقریبی از شیعه  
و اهل سنت به وهابیت و تشیع است. علاوه بر



این جناب دکتر عصام معتقدند جدایی و تفرقه و هابیت تنها با شیعیان نیست بلکه و هابیت از تمامی گروهها و مذاهب اهل سنت نیز فاصله گرفته و آنان را نیز تکفیر می نماید و راه حلهایی برای ایجاد همبستگی میان اهل سنت و و هابیت نیز ارائه داده است. در کتاب «نقد شیخ محمد بن عبدالوهاب از درون» به بیان فهرستی از 83 کتاب نوشته و هابیان پرداخته که با تعبیرات زننده ای از اهل قبله در دیگر مذاهب اسلامی یاد کرده اند که همگی بیانگر ضرورت ایجاد اصلاحات، روشنگری و تحولی حساب شده در اندیشه و هابیت نسبت به دیگر مسلمانان است.

## دکتر عصام و جنبشهای اسلامی معاصر

جناب دکتر عصام نه تنها نگاه منفی به دیگر مذاهب اسلامی ندارد بلکه یکی از کارشناسان آشنا با جنبشهای اسلامی معاصر و علاقمندان

به شخصیت‌های پیشرو در جنبش‌ها از تمامی مذاهب است.

دکتر عصام شیفته اندیشه‌ها و نگاشته‌های سید قطب است. بارها در نوشته‌ها، سخنرانی‌ها و مناظراتشان از ایشان به عنوان «شهید قرآن» نام برده و در کتاب «نقد شیخ محمد بن عبدالوهاب از درون» به تفصیل نشان داده که چگونه اندیشه‌های سید قطب باعث شده ایشان و تعداد زیادی از اندیشمندان وهابی از توحید محمد بن عبدالوهاب به توحید قرآنی تغییر نظر بدهند، و در این زمینه به دیدگاه‌های متفکرانی مانند «المسعري»، «سید قطب»، «سعید حوی»، «سعید بن مسفر» و ... اشاره می‌کند. ایشان بیان کرده دیدگاه‌های عدالت خواهانه سید قطب چگونه تحلیل سنتی حاکم بر اندیشه وهابیت از تاریخ و فتنه‌های صدر اسلام را پشت سر گذاشته است و ....

جناب دکتر عصام یکی از شیفتگان اندیشه‌ها و نگاشته‌های علامه محمد غزالی

مصري(معاصر) است و بارها دیدگاههای معتدل این اندیشمند معاصر را مطرح نموده و بیان می نماید چگونه این اندیشمند با تفکرات وهابیت مقابله علمی و منطقی نموده و از وهابیت به (العقل الصحراوي)(اندیشه بادیه نشین) تعبیر نموده است.

جناب دکتر عصام العمداد با حرکت‌های سیاسی جهان اسلام آشنا است و به دقت تحولات بیداری اسلامی را دنبال می نماید. به شکل نمونه می توان به سخنرانی ایشان در همایش «استراتژی تشیع در مقابله با تفرقه مذهبی» با عنوان «شیوه های وحدت گرا در میان اخوان المسلمین» اشاره کرد که در این سخنرانی به تفصیل به بیان دیدگاه‌های اخوان المسلمین در مبارزه با تکفیر شیعیان و کتابها و مقالات این گروه پرداخته است.

در حقیقت دکتر عصام العمداد نمونه ای از جوانان روشنفکری است که بر مبنای امواج بیداری اسلامی در جهان اسلام از تفکر

وهابیت سنتی فاصله گرفتند و در گام بعد با  
پژوهش و تحقیق به تفکر اسلام انقلابی در  
خواستگاه شیعی آن را گزینش کرده اند.  
قابل ذکر است مستند مطالب پیش گفته به  
زودی در سایت شخصی جناب دکتر عصام به  
نشانی [www.esam-al-emad.com](http://www.esam-al-emad.com) نمایش  
داده خواهد شد.

## تحول مذهبی و انسجام اسلامی

معتقدیم وجود تفاوت‌های مذهبی در جهان  
اسلام حقیقتی انکار ناپذیر است که نمی‌توان  
از آن چشم پوشید. مهم رسیدن به سطحی از  
بلوغ فکری و رشد فرهنگی است که باعث  
شود، همزیستی مسالمت آمیز را با مسلمانان  
اهل قبله از تمامی مذاهب و گرایش‌ها، به عنوان  
وظیفه‌ای انسانی و اسلامی بپذیریم.  
مسلمانان در تمامی جهان اعم از شیعه و اهل  
سنت در ایران و عربستان و ... حقوق



شهر و ندي يکديگر را رعايت کنند، تکیه بر  
مشترکات و تعاون در بر و تقوا الگوي تعامل  
مذاهب با هم گردد، تلاش براي کنار گذشتن  
توهمات و نگاههاي منفي به يکديگر جاي خود  
را به تعصبات کور و بي حاصل دهد و همگي  
آرمان مقابله با دشمن مشترك يعني صهيونيسم  
و استکبار جهاني را واجبي همانند نماز روزه و  
حج و بلکه مهمتر از عبادات فردي بدانيم و به  
گونه اي به آن عمل کنيم که در برابر خدای  
متعال توان پاسخگويي داشته باشيم.

به دیدگاه ما تلاش براي شناخت حقيقت در  
اختلافهاي مذهبي در سطح علمي (و نه فتنه  
انگيزي عملي در سطح توده هاي جهان اسلام)  
نه تنها واجبي شرعي است که حقي انساني  
مي باشد. حالت مطلوب اين است که شيعيان  
و اهل سنت همگي با پاکسازي کتابهاي اعتقادي  
از توهين، تکفير، تحقير و گمراه خواني ديگر  
مذاهب؛ عرصه هاي معرفتي را از حب و  
بغضهاي منفي خالي نموده تا فضايي سالم و

آزاد براي گزينش ديدگاه برتر براي محققان  
فراهم آيد. به اعتقاد ما التزام عملي به فرهنگ  
قرآني گفتگو و تفاهم امري ممكن بلكه ضروري  
است: فبشر عباد الذين يستمعون القول  
فيتبعون احسنه؛ پس بشارت ده به بندگانم  
آنان كه سخن را مي شنوند و از بهترينش  
پيروي مي نمايند.

به همين جهت معتقديم چنان كه اسلام اكراه  
را در حوزه اصل دين برداشته، هيچ قدرت  
سياسي، مذهبي يا فكري توان تحميل تفكر  
مذهبي خود را به فضاي فكري جوامع اسلامي  
ندارد. وظيفه عالمان ديني عرضه ديدگاهها و  
اجتهادات اعتقادي خود به نسل جوان و  
اندishمند و تشويق آنان به بررسي، مقايسه،  
نقد و گزينش ديدگاه برتر مي باشد و همگي در  
برابر اين قانون انساني و اسلامي مساوي  
هستيم و شيعه و اهل سنت در اين زمينه  
تفاوتي ندارند.

به نظر مي رسد اساسي ترين عامل حساسيت

زا نسبت به تحولات مذهبی وجود تفکرات  
تکفیری و نفوذ آن در عوام و برخی خواص  
مذاهب اسلامی است. همین عامل باعث شده،  
عده ای تحول مذهبی را به «ارتداد» و خروج  
از دین تفسیر کنند. در حالی که بنا به مبانی  
صحیح فقه اسلامی هر کس گواهی به «لا اله  
الا الله» و «محمد رسول الله» دهد مسلمان  
است و جان و مال و ناموسش در حفاظت  
اسلام می باشد. بنابراین باید در مواجهه با  
تحول مذهبی، با «تخطئه و تصویب» برخورد  
نمود نه «تکفیر» و حکم به ارتداد. به اعتقاد ما  
اگر نقد علمی ریشه داری از گرایشهای تکفیری  
انجام گردد و مبارزه با تکفیر اهل قبله به  
عنوان فرهنگی عمومی در جوامع اسلامی در  
میان پیروان تمامی مذاهب ترویج گردد، دیگر  
با حساسیتهایی از این دست نسبت به  
متحولان مذهبی مواجه نخواهیم بود. با این  
دیدگاه تغییر دهندگان مذهب از محیط زندگی  
و جامعه خود طرد نخواهند شد و تحت

فشارهاي فراوان قرار نخواهند گرفت.  
معتقديم متحولان مذهبي آزاد انديشاني ديني  
هستند كه براي رسيدن به كعبه مقصود،  
عاشقانه سرزنشهاي مغيلان را به جان خريده  
اند. به اعتقاد ما اين عزيزان فرصتي براي  
وحدت اسلامي هستند و كج سليقگي است اگر  
اين افراد را به عاملي براي تهديد انسجام  
اسلامي تبديل كنيم. البته اين عزيزان هم  
وظيفه دارند هر چه بيشتر خود را به آداب و  
اخلاق اسلامي آراسته نموده، با تمام توان و به  
شكل عملي به آرمان وحدت اسلامي خدمت  
نمايند و نگاشته ها و گفته هايشان خالي از  
عوامل تشنج زا و تفرقه آفرين باشد. از سوي  
ديگر اين حق انساني هم بايد براي آنان  
محفوظ بماند تا بتوانند با رعايت آداب صحيح  
گفتگوي اسلامي تجربه فكري تحول خود را  
مطرح نمايند.

به ديدگاه ما امكان تكيه بر هويت مذهبي  
خود، تبين تفاوتهاي خود و ديگر مذاهب،



استدلال به برتري گزينه اعتقادي خود، نقد  
آراسته به ادب اسلامي از باورهاي ديگر  
مذاهب و .... وجود دارد بدون اينكه موجبات  
حساسيت و خروش ديگران را فراهم آورد.  
نمونه هاي زنده همزيستي مسالمت آميز ميان  
شعيه و اهل سنت در گذشته و حال گويائي  
امكان توسعه اين فرهنگ مي باشد.

## شناخت اولويت هاي جهان اسلام و مساله هويت مذهبي

ما ضمن اين كه حق گزينش مذهبي را حقي  
مشروع، انساني و اسلامي مي دانيم، معتقديم  
نبايد تكيه بر هويت مذهبي بر جنبه اسلامي و  
ديني چيره گردد. به اعتقاد ما جهان اسلام در  
مرحله اي قرار دارد كه بايد همواره اولويت  
هاي فكري و فرهنگي خود را گوشزد نمايد تا  
مبادا با پيدا شدن جبهه هاي ساختگي و درجه

چندم، نبرد حقيقي امت اسلامي تحريف گردد.  
به اعتقاد ما اولويت هاي جهاني امت اسلامي  
در دنياي معاصر عبارت است از:

بازسازي هويت ديني در سطح زندگي سياسي  
و اجتماعي معاصر؛

احياي همه جانبه تمدن اسلامي؛

تشكيل حكومتهاي ديني در كشورهاي اسلامي  
با هدف اجراي حقيقي دين اسلام؛

مبارزه با مظاهر عقب ماندگي جهان اسلام؛  
تلاش براي رشد علمي و فن آوري كشورهاي  
اسلامي؛

تشكيل اتحاديّه هاي اقتصادي، نظامي، سياسي  
و ... جهان اسلام براي تجمع و تمرکز قدرت  
جهان اسلام؛

دفاع از كيان فكري جهان اسلام در برابر  
شبهات الحادي مدرن و هجمات تبشيري اديان  
ديگر؛

مبارزه با فرهنگ تفرقه و تكفير ميان مسلمانان  
و ترويج فرهنگ تفاهم و انسجام و همزيستي؛

## نه مناظره و نه مباحله

در پي پخش اين مصاحبه مواضعي از جانب جنابعالي مطرح گرديد که در مقابل جناب حجت الاسلام دکتر قزويني هم بيانيه اي صادر نموده جنابعالي را به مناظره طلبيدند. جنابعالي در مقابل، ايشان را به مباحله دعوت نموديد.

ما ضمن احترام به دو بزرگوار معتقديم که نياز جامعه اسلامي امروز ما در بعد مذهبي، نه مناظره است و نه مباحله. هدف از مناظره اسکات خصم، غلبه فکري بر طرف مقابل و بي آبرو نمودن او در مقابل پيروان مي باشد. همچنين مباحله ميان دو دسته اي که همدیگر را دروغگو مي دانند و از خدا مي خواهند لعنت خود را بر دروغگو نازل کند. آيا واقعا فضاي فکري کنوني جهان اسلام از اين دست

تقابلها کم دارد تا بخواهیم به آن بیافزاییم؟  
معتقدیم، نیاز ما «تفاهم و گفتگو» است نه  
مناظره و مباحله. شیعه و سنی خصم هم  
نیستند تا بخواهند یکدیگر را بی آبرو و سیاه  
رو کنند، شیعه و سنی دروغگو نیستند تا  
نیازمند به لعن و نفرین همدیگر باشند.  
اختلافات فکری شیعه و اهل سنت قرن‌هاست  
که توسط برخی سیاستمداران فاسد مورد  
سوء استفاده قرار گرفته و برای به دست  
آوردن منافع سیاسی از آن بهره برداری گردیده  
است. حال که اراده دینی و سیاسی نظام  
مقدس جمهوری اسلامی بر انسجام و تفاهم  
مذاهب اسلامی قرار گرفته باید تلاش به  
گفتگوی برادرانه را جایگزین تقابلهای منفی و  
ساختگی به ارث رسیده از دوران گذشته  
نماییم.

گذشته از این، موضوع مورد اختلاف چنان  
روشن و بدیهی است که نیازی به مناظره و  
مباحله ندارد. حتی اگر جنابعالی به زندگی نامه



اي که درباره جناب دکتر عصام در اختياراتان  
قرار داده ايم اعتماد نداريد به آساني مي  
توانيد درباره شخصيت هايي و مکان هايي که  
خدمتتان معرفي شد، تحقيق فرماييد تا  
حقيقت روشن شود. معتقديم درخواست  
مناظره و مباحله درباره چنين موضوعي نشان  
از غفلت از شناخت اولويتهاي کنوني جهان  
اسلام باشد.

البته لحن و ادبيات جناب آقاي قزويني به  
گونه اي بود بيانگر قصد ايشان در ايجاد تفاهم  
و گفتگو و حل نظري مباحث بوده است.

## اهل سنت و محبت اهل بيت (عليهم السلام)

شايد تصوري در برخي عوام شيعه وجود  
داشته باشد که اهل سنت، اهل بيت پيامبر را  
دوست ندارند ولي در اين نگاه، نگاهی عوامانه  
است و خواص و فقهاي شيعه اين دیدگاه را  
ندارند و تلاش دارند براي توده ها تفاوت میان

اهل سنت و نواصب را تشریح نمایند. در فقه  
شیعه به شکل روشن میان اهل سنت و  
نواصب تفاوت قایل شده است. اگر به مباحث  
طهارت و نجاسات در کتابهای فقه شیعه  
مراجعه نمایید مشاهده می فرمایید که  
نواصب را به دلیل دشمنی قلبی با پیامبر و  
اهل بیت ایشان یا دشنام و ناسزا گفتن به آنان  
کافر و نجس شمرده اند و ازدواج با آنان حرام  
دانسته شده، نماز خواندن پشت سر آنان جایز  
نیست و نمی توان بعد از مرگ آنان را در  
قبرستان مسلمانان دفن نمود، در حالی که  
همین فقها در باب ازدواج به صراحت بیان  
کرده اند که ازدواج با اهل سنت جایز است  
ولی ازدواج با نواصب حرام می باشد. در فقه  
شیعه اقتدا به جمعه و جماعت اهل سنت نه  
تنها جایز است که روایاتی از اهل بیت گویایی  
ثوابهای فراوان این عمل می باشد. در فقه  
شیعه بیان شده اگر شخصی از مذاهب اهل  
سنت به تشیع تغییر مذهب دهد، نیازمند اعاده

نماز و روزه و عبادت گذشته خود نیست.  
اساساً در فقه شیعه به اهل سنت عنوان  
«مخالف» (به معنای مخالف با شیعه در مساله  
امامت) اطلاق گردیده در حالی که از دشمنان  
اهل بیت عنوان «نواصب» یاد می شود و  
احکام فقهی این دو گروه با یکدیگر قابل  
مقایسه نیست. اگر به مناظره 15 قسمتی  
جناب دکتر عصام العمد با جناب شیخ عثمان  
الخمیس (شیخ سلفیت در کویت) [1] مراجعه  
نمایید مشاهده می کنید که جناب دکتر عصام  
هم در متن مناظرات و هم در بخش تکمیلی که  
به قلم خود نگاشته است با بیان استدلالهای  
فقهی متعدد دیدگاه شیعه را در این زمینه  
تشریح نموده است.

ولی آنچه در برنامه ماه غسل شبکه 3 سیما و  
برنامه رهروان تلویزیون مشهد از زبان ایشان  
بیان گردید و در دیگر سخنرانیها و نگاشته  
های ایشان مورد تاکید است، حالتی از نصب و  
بغض پنهان نسبت به امیر مومنان علی (علیه

السلام) می باشد که پیروان ابن تیمیه و تفکر وهابی بدان گرفتار می باشند. ایشان بارها میان اهل سنت و وهابیت در این مساله تفکیک قائل شده است. شکی نیست که اهل سنت کتابهای فراوانی در مناقب و فضایل علی بن ابی طالب نگاشته اند و حسابشان در این مساله از حساب کسانی که برای مقابله با تشیع، به انکار بسیاری از فضایل از امیر مومنان دچار شده اند، متفاوت است کرده اند، متفاوت و جداست. در برنامه ماه عسل به دو نکته به صراحت اشاره شده بود:

اولا: این که فضایل اهل بیت (علیهم السلام) از مرحله ثنا و مدح به عمل نرسیده است و فضایل اهل بیت باعث نشده اهل سنت آنگونه که باید و شاید از میراث فکری و فقهی اهل بیت بهره مند شوند. این مساله همان تفاوت شیعه و اهل سنت در اعتقاد به امامت عده ای برگزیده از اهل بیت پیامبر (ص) می باشد.

دوم: نوع برخورد ابن تیمیه با مسایل صدر

اسلام در رابطه با حضرت علي(عليه السلام) و همچنین برخورد خاص او در انکار فضایل صحیح السند روایت شده در کتابهای اهل سنت بوده که باعث پدید آمدن فرهنگ خاصی در میان پیروان او نسبت به امیر مومنان علي شده است. هر چند ابن تیمیه در کتابهای خود شکر خدا را به جا می آورد که او را از ناصبیان قرار نداده، ولی در نوشته هایش به ویژه کتاب منهاج السنه بارها در حق امیر مومنان جفا و بی وفایی نموده است و همین فرهنگ به پیروان او تعمیم یافته است.

برای اثبات این مدعا کافی است به سخنان بزرگان اهل سنت درباره او نگاهی گذرا داشته باشیم:

1. «شیخ ناصر الدین الالبانی» حدیث شناس بزرگ وهابی معاصر و نویسنده کتابهای

«سلسله الاحاديث الصحيحه» و «سلسله الاحاديث الضعيفه» که از او به بخاري دوران ياد مي کنند، بعد از تصحيح حديث نبوي ولايت (علي ولي کل مومن بعدي) مي نويسد: «عجيب اين که چگونه شيخ الاسلام اين حديث را تکذيب و انکار مي کند، همان کاري که با حديث سابق کرد، با وجود سندهاي صحيح که براي حديث وجود دارد و اين چيزي جز تسرع و مبالغه گويي در ردّ بر شيعه نيست» [2].

2. «ابن حجر العسقلاني» درباره افراط ابن تيميه و بي مهري او به مقام حضرت علي (عليه السلام) مي نويسد: «چه بسيار از مبالغه اش در توهين کلام رافضي (علامه حلي) که منجر به تنقيص و توهين به علي گرديد» [3]. در جاي ديگر بيان مي کند: «مردم درباره ابن تيميه اختلاف دارند: برخي او را به تجسيم نسبت مي دهند و گروهی نیز او را به کفر و عده اي به نفاق نسبت داده اند، به جهت نسبت



ناروایی که به علی(ع) می دهد»[4].

3. «ابن حجر الهیتمی» درباره ابن تیمیه می نویسد: «وی کسی است که خداوند متعال او را خوار و گمراه و کور و کر و ذلیل نمود. صاحبان علم به این مطلب تصریح نموده اند»[5]

4. علامه «زاهد الکوثری» در بخشی از کلماتش در ردّ بر ابن تیمیه می گوید: «از کلمات او آثار بغض و دشمنی با علی(ع) ظاهر می گردد»[6]

5. شیخ «عبدالله الغماري» در بخشی از ردیه اش بر ابن تیمیه می گوید: «علمای عصرش او را به جهت انحرافش از علی(ع) به نفاق نسبت دادند»[7]

6. علامه شیخ «کمال الحوت» در ردّ خود بر ابن تیمیه بابتی را به نام «افتراءات ابن تیمیه بر امام علی(ع)» به این موضوع اختصاص داده است[8].

7. شیخ «عبدالله الحبشي» می گوید: «ابن تیمیه علی بن ابی طالب (ع) را سرزنش می

کرد و مي گفت: جنگ هاي او به ضرر مسلمين بوده است»[9].

كساني كه با اندیشه هاي ابن تیمیه آشنایی دارند می دانند كه او چگونه احادیثی مانند «مواخات»، «ولایت»، «رد الشمس»، «سد ابواب»، «مدینه علم»، «اقضاكم علي»، «قتال ناكثين و ...»، «محبت حضرت علي(ع)» را تكذيب، تضعيف يا انكار نموده است. و از همه دردناكتر از ابن ملجم به عنوان كسي ياد مي كند كه: «نماز به جا مي آورد، روزه مي گرفت و قرائت قرآن مي كرد و علي را با اعتقاد به اين كه خدا و رسولش كشتن او را دوست دارند، به قتل رسانيد»!!

كساني كه با كتاب منهاج السنه آشنا باشند مي دانند كه ابن تیمیه ادعا دارد اغلب امت بعد از مقتل عثمان با علي بيعت نکردند، به شكوه و حزن حضرت زهرا(س) و وصيت ايشان به دفن شبانه اعتراض مي كند و اعلميت امام حسن و حسين عليهما السلام را زير سوال مي

برد.

ابن تیمیه در کنار مبارزه با فضایل امام علی به صراحت به تطهیر دامان بنی امیه از گناهان بزرگشان اقدام نموده: یزید را از فرمان دادن به قتل امام حسین(ع) تطهیر می کند، انتقال سر مبارك امام حسین به شام را منکر می شود و اسارت بردن حریم امام حسین(ع) را نادرست می داند. او جنایت تاریخی حرّه را دروغ می داند و فرمان دادن یزید به خراب کردن کعبه را منکر می شود.

## بازتاب تفکرات ابن تیمیه در میان وهابیان معاصر:

وهابیان بر خلاف قاعده اعتقادی مشهور اهل سنت نسبت به فتنه های صدر اسلام که «سکوت نسبت به نزاعهای پدید آمده میان صحابه» را مبنای نگاه خود به تاریخ صدر اسلام قرار داده است، نسبت به فتنه های پدید

آمده علاوه بر تحلیل و موضع گیری، حبّ و بغض نشان می دهند و متأسفانه در بسیاری از وقایع صدر اسلام از جریان مخالف با اهل بیت پیامبر(ص) جانبداری کرده و حضرت علی(ع) و دیگر بزرگان اهل بیت را برای مواضعشان سرزنش می کنند. در زیر به برخی از این کتابها و نویسندگان اشاره می شود:

الف) کتابهای نویسنده معاصر «محب الدین الخطیب» به ویژه حاشیه او بر کتاب

«العواصم من القواصم» که از دیدگاه ابن

عربی المالکی [10] در سرزنش امام حسین(ع) در قیام علیه یزید دفاع کرده است. او دوست صمیمی شیخ «بن باز» مفتی سابق عربستان بوده و با همکاری او کتاب «فتح الباری» شرح صحیح البخاری را تحقیق نموده اند.

دلیل اثبات این گرایش در محب الدین

الخطیب مناظرات و مقالات متعددی است که

میان شیخ محمد غزالی مصری در نشریات

جهان عرب منتشر گردید. شیخ محمد غزالی به

شدت این گرایش را نقد نموده بود.

(ب) نمونه دیگر از وهابیان معاصر دکتر «اکرم العمری» است که کتابهای تاریخی متعددی را با این گرایش منتشر کرده.

نویسنده معاصر عربستانی «حسن فرحان المالکی» که به «الثائر علی الوهابیه» مشهور گردیده، کتابی با نام «نحو انقاذ التاريخ الاسلامي» و کتاب دیگری که با همکاری همسرش «ام مالک» در نقد پایان نامه های منتشر شده در عربستان نوشته است. او در این کتابها نقض به نقد پایان نامه های اقدام کرده که به تبعیت از تفکر ابن تیمیه، بیعت حضرت علی (ع) را بعد از مقتل عثمان بیعتی ناصحیح می دانند. جالب این که این گرایش به مشروعیت بیعتی که معاویه برای یزید از مردم گرفته بود، اعتقاد دارند!!

بر اساس همین تفکر، جلسات متعدد در عربستان و یمن در نقد عملکرد حضرت علی (ع) در فتنه های صدر اسلام برگزار می

شود. و جناب دکتر عصام نیز در دوره ای در این نشستها حضور پیدا می کرده. در این جلسات به صراحت بیان می شده: اگر امام علی وجود خارجی نداشت هیچ آسیبی به اسلام نمی رسید و اسلام تمام جهان را می گرفت. آنها امام علی و شیعیان او را ستون پنجم در میان مسلمانان می دانستند.

جهت بررسی صحت و سقم انجام چنین جلساتی در یمن، می توانید درباره جلسات انجام شده در منزل علامه «احمد عبدالله الحجری» که با حضور شخصیتهایی مانند «حسن الحکیمی» «حارث الشوکانی» برگزار می گردیده، تحقیق کنید. این شخصیتها هنوز زنده هستند و دسترسی و پرسش از آنها یا شاگردان و پیروانشان با توجه به پیشرفت وسایل ارتباط جمعی کار دشواری نیست.

سلامتی و توفیق جنابعالی و همه خدمتگذاران به اسلام عزیز را از خدا خواهانیم.



# دبیر موسسه گفتگوی دینی

## حمیدرضا غریب رضا

---

[1] این مناظره ها در اینترنت و به وسیله نرم افزار پالتاک انجام شده. متن مناظرات پیاده و در کتابی به نام الزلزال منتشر گردیده است. سی دی صوتی مناظرات علاوه بر عرضه همراه کتاب در سایتهای گوناگون اینترنتی قابل دسترسی است.

[2] سلسلة الاحادیث الصحيحة حدیث شماره 2223

[3] لسان المیزان ج 6 ص 319 و 320

[4] الدرر الكامنة ج 1 ص 155

[5] الفتاوی الحدیثیة ص 114

[6] الحاوی فی سیرة الطحاوی ص 26

[7] الرسائل الغمارية

[8] التوفيق الرباني في الرد علي ابن تيميه ص

85

[9] المقالات السنية ص200

[10] اين نويسنده همان شخصيت مشهور  
عرفاني نيست و با ابن عربي نويسنده كتاب  
فتوحات فقط تشابه اسمي دارد.

منبع: سايت دكتر عصام العماد و مؤسسه  
تحقيقاتى حضرت ولي عصر (عج)

[https://www.valiasr-aj.com/persian/  
mobile\\_shownews.php?  
idnews=4832](https://www.valiasr-aj.com/persian/mobile_shownews.php?idnews=4832)

